**زندگی تازه در مسیح**

**درس 12**

**رابطه شاگرد عیسی و حکومت**

تاکنون در این درسها موضوع شاگردی عیسی را از جوانب زیادی خصوصا از جوانبی که بر روابط ما با دیگران تاثیر می گذارد مورد بررسی قرار داده ایم. در این درس بررسی خواهیم کرد که شاگردی ما چگونه باید بر روابطمان با کشوری که در آن سکنی می گزینیم و حکومت آن کشور تاثیر بگذارد.

**دعای عیسی برای شاگردانش**

عیسی قبل از مرگ، می دانست که زمان موعود در حال فرا رسیدن است و باید شاگردانش را ترک نماید. از این رو دلواپس آنها بود. او می دانست که شاگردانش در غیاب او با مشکلات متعددی مواجهه خواهند شد و دیگر او در آنجا حضور نخواهد داشت تا شاگردانش را راهنمایی نماید و گفت که آنها را همچون یتیمان، تنها نخواهد گذاشت (یوحنا 14:18). عیسی بعدها برای شاگردانش به درگاه خدا دعایی بسیار زیبا کرد تا خدا مراقب و محافظ آنها باشد.

" بیش از این در جهان نمی مانم اما آنها هنوز در جهانند؛ من نزد تو می آیم. ای پدر قدوس، آنان را به قدرت نام خود که به من بخشیده ای حفظ کن، تا یک باشند، چنانکه ما هستیم.   
من آنها را تا زمانی که با ایشان بودم، حفظ کردم، و از آنها به قدرت نام تو که به من بخشیده ای، محافظت نمودم. هیچ یک از ایشان هلاک نشد، جز فرزند هلاکت، تا گفته کتب مقدس به حقیقت پیوندد.  
اما حال نزد تو می آیم، و این سخنان را زمانی می گویم که هنوز در جهانم، تا شادی مرا در خود به کمال داشته باشند.  
من کلام تو را به ایشان دادم، اما دنیا از ایشان نفرت داشت، زیرا به دنیا تعلق ندارند، چنانکه من تعلق ندارم.  
درخواست من این نیست که آنها را از این دنیا ببری، بلکه می خواهم از آن شرور حفظشان کنی.  
آنها به این دنیا تعلق ندارند، چنانکه من نیز تعلق ندارم.  
آنان را در حقیقت تقدیس کن؛ کلام تو حقیقت است.  
همانگونه که تو مرا به جهان فرستادی، من نیز آنان را به جهان فرستاده ام."  
یوحنا 18-11: 17

می توانیم نکات اصلی آیات فوق را بصورت زیر خلاصه نماییم:

1. عیسی قصد دارد پس از رستاخیزش، دنیا را ترک و به آسمان عروج کند. او از پدرش درخواست می کند تا در زمان غیبتش از شاگردان محافظت نماید.
2. او کلام خدا را به شاگردان داده است اما دنیا از آنها نفرت دارد زیرا آنها پیروی از دستورات عیسی را انتخاب کرده اند. همچنین آنها هیچ گونه وجه اشتراکی از لحاظ روحانی با جهانی که در آن ساکنند ندارند.
3. با این حال، عیسی از خدا درخواست نمی کند تا شاگردان را از این دنیا نجات دهد بلکه از خدا می خواهد تا آنها را از شرارت و گرفتاری حفظ نماید.
4. شاگردان باید از این دنیا جدا شوند ( دوم قرنتیان 6:17 ) و با کلام خدا مقدس گردند.
5. شاگردان قصد نجات یافتن از دنیا را ندارند زیرا عیسی آنها را به این دنیا فرستاده تا پیام انجیل را بشارت دهند (متی 10:7).

شاگردان تمامی نسلها می توانند از نکات فوق الگوبرداری کنند. شاگردان عیسی پس از تعمید، به زندگی در جهانی ادامه می دهند که از لحاظ روحانی هیچ وجه اشتراکی با آن ندارند. آنها باید پیام انجیل را بشارت داده و در زندگی شخصی خود بر حقانیت انجیل شهادت دهند هر چند که مردان و زنان غیر ایماندار پیام را نخواهند پذیرفت و شاید از شاگردان بخاطر انجام چنین عملی متنفر شوند. شاگردان نباید مجذوب ظواهر دنیا شوند بلکه باید از دنیا جدا شوند. در واقع، کلام خدا است که به آنها در این خصوص کمک می نماید.

**شهروندان قانون مدار**

کتاب مقدس درباره نحوه رفتار شاگردان حقیقی مسیح در این دنیا صراحتا سخن می گوید. شاگردان باید در کشوری که در آن زندگی می کنند، شهروندانی بسیار قانونمند باشند. پولس رسول رساله به رومیان را خطاب به شاگردان یا ایماندارانی نوشت که در جامعه ای خشن زندگی می کردند. غالب ایمانداران برده بودند و با بسیاری از آنها غیرعادلانه رفتار می شد. با این وجود، پولس به آنان اینگونه نوشت:

" هر کس باید تسلیم قدرتهای حاکم باشد، زیرا هیچ قدرتی جز از سوی خدا نیست. قدرتهایی که وجود دارند، از جانب خدا مقرر شده اند. پس آنکه بر علیه قدرتی عصیان کند، در حقیقت علیه آنچه خدا مقرر کرده، عصیان ورزیده است؛ و آنان که چنین می کنند، مجازات را برای خود می خرند. زیرا راست کرداران از حکمرانان هراسی ندارند، اما خلافکاران از آنها می ترسند. آیا می خواهی از صاحب قدرت هراسی نداشته باشی؟ آنچه را که درست است، انجام بده که تو را تحسین خواهد کرد. زیرا خدمتگزار خداست تا به تو نیکویی کند. اما اگر مرتکب کار خلاف شوی، بترس، زیرا شمشیر را بی جهت حمل نمی کند. او خدمتگزار خدا و مجری غضب است تا کسی را که مرتکب کار خلاف شده است، کیفر دهد. پس آدمی باید نه تنها برای پرهیز از غضب، بلکه به سبب وجدان خود نیز تسلیم قدرتها باشد."  
رومیان 5-1 : 13

نکته قابل توجه در آیات فوق این است که **تمامی** صاحبان قدرت از جانب خدا منصوب شده اند. بعبارتی دیگر، هیچ قدرتی جز از سوی خدا نیست. صاحبان قدرت توسط خدا انتخاب می شوند اگرچه آنها معمولا از این حقیقت غافلند. هنگامی که شاگرد عیسی از قوانین کشورش سرپیچی می نماید، در حقیقت از خدا نافرمانی می کند. توجه داشته باشید که پولس می گوید ما "به سبب وجدان خود،" تسلیم قدرتها هستیم. ما باید از قوانین کشورمان اطاعت کنیم زیرا خدا این چنین دستور می دهد نه به این دلیل که از مجازات شدن می هراسیم. آیات زیر از کتب مقدس به اطاعت از صاحبان قدرت نیز اشاره می کنند:

" به همین سبب نیز مالیات می پردازید، زیرا صاحبان قدرت که تمام وقت خود را وقف کار حکومت می کنند، خدمتگزاران خدایند.   
دین خود را به همگان ادا کنید: اگر مالیات است، مالیات بدهید؛ اگر خراج است، خراج بپردازید؛ اگر احترام است، احترام بگذارید؛ و اگر اکرام است، تکریم کنید.  
 هیچ دینی به کسی نداشته باشید جز اینکه یکدیگر را پیوسته محبت کنید. زیرا هر که به دیگری محبت کند، در واقع شریعت را به جا می آورد.  
رومیان 8-6 : 13

" ایشان را یادآور شو که تسلیم حکمرانان و صاحب منصبان باشند و فرمانبرداری کنند، و برای هر کار نیک آماده باشند.  
کسی را ناسزا نگویند بلکه صلح جو و با ملاحظه باشند و با همه در کمال فروتنی رفتار کنند."  
تیتوس 2-1: 3

" به خاطر خداوند، تسلیم هر منصبی باشید که در میان انسانها مقرر گشته است، خواه پادشاه که مافوق همه است،  
و خواه والیان، که مامور اویند تا بدکاران را کیفر دهند و نیکوکاران را تحسین کنند.   
زیرا خواست خدا این است که با کردار نیک خود، جهالت مردم نادان را خاموش سازید.  
همچون آزادگان زندگی کنید، اما آزادی خود را پوششی برای شرارت مسازید، بلکه چون غلامان خدا زندگی کنید.  
همگان را حرمت بدارید، برادران را محبت کنید، از خدا بترسید و به پادشاه احترام بگذارید."  
اول پطرس 17-13: 2

" پس مال قیصر را به قیصر بدهید و مال خدا را به خدا."  
متی 22:21

**مخالف وجدانی جنگ**

با این حال، ممکن است شاگرد عیسی تحت شرایطی خاص، ناچار شود تصمیماتی دشوار بگیرد. گاهی اوقات ما مجبوریم میان اطاعت از خدا و یا پیروی از انسان، یکی را انتخاب کنیم. برای مثال، پطرس و یوحنا پس از صعود عیسی به آسمان ناچار شدند چنین تصمیمی بگیرند. پطرس و یوحنا هنگامی که رهبران یهودی را به کشتن خداوند عیسی متهم کردند و رهبران یهودی به آنها گفتند که دیگر انجیل را بشارت ندهند، از دستور رهبران یهودی سرپیچی کردند و اینگونه پاسخ دادند:

" خدا را باید بیش از انسان اطاعت کرد." اعمال رسولان 5:29

همین تصمیم برای زندگی امروزی ما نیز صدق می کند. ما باید از قوانین کشورمان اطاعت نماییم. حال اگر دولت از ما بخواهد که کاری انجام دهیم که با تعالیم خداوند عیسی مسیح مغایرت داشته باشد آنگاه ما باید از انجام آن خودداری کنیم حتی اگر بدلیل نافرمانیمان سخت مجازات شویم. یکی از معمول ترین مثالها در این زمینه زمانی است که از شاگردان عیسی (ایمانداران) خواسته شود نا برای کشورشان مبارزه کنند. ممکن است جنگی در کشور رخ دهد و کشور مورد تهاجم دشمنان قرار گیرد و دولت از شهروندانش تقاضا کند که با تسلیحات با دشمن بجنگند. خدمتگزاران خدا چنین کاری انجام نمی دهند زیرا استاد و سرورشان فرموده که دشمنان خود را نیز محبت کنید. در واقع این کاری است که شاگردان باید انجام دهند. آنها نباید بجنگند و چنین مخالفتی بعنوان **مخالفت** **به** **سبب** **وجدان** قلمداد می شود.

در برخی از کشورها، دولت برای شهروندانی که در جنگ شرکت نمی کنند مجازاتهایی سخت در نظر می گیرد. برخی از شاگردان به علت خودداری قاطعانه از شرکت در جنگ، زندانی شده اند و برخی جان خود را از دست داده اند.

اگر از ما خواسته شود که در خدمت سربازی شرکت کنیم، میتوانیم به گونه های زیر عمل کنیم:

1. پیروان عیسی مسیح که تعمید گرفته اند نباید شغلی را انتخاب نمایند که در آن مجبور شوند با خشونت با شخصی دیگر رفتار کنند زیرا موجب ایجاد شک و شبهه در اتحاد آنها به عیسی می شود. هنگامی که عیسی با مرگ مواجهه شد و مورد بازجویی پیلاتس قرار گرفت، عیسی به وی گفت خادمانش نخواهند جنگید ( یوحنا 18:36 ).
2. اگر سربازی تعمید نگرفته باشد و در حین خدمت پیام انجیل را دریافت کند و تمایل به تعمید گرفتن داشته باشد، آن سرباز باید با فرمانده اش صحبت کند و قضیه را برای او توضیح دهد. او باید پیش از تعمید گرفتن، برای ترک خدمت سربازی چاره ای پیدا کند.
3. شخص سرباز باید کاملا آگاه باشد که بعنوان پیرو مسیح با عواقب ترک خدمت سربازی مبارزه نخواهد کرد.
4. اگر از ما خواسته شود که بدلیل شرایط بحرانی کشور وارد خدمت سربازی شویم، ما باید از انجام این کار امتناع ورزیم.
5. این دستورالعمل ها برای هر شغلی که در آن از شخص بخواهند نسبت به انساتی دیگر رفتاری خشونت آمیز و تهاجمی داشته باشد و یا اسلحه حمل نماید، نیز صدق می کند. نگهبانان زندان، نیروهای مسلح و افراد پلیس از نمونه های بارز این مشاغل به شمار می آیند.

نمی توان براحتی چنین تصمیماتی گرفت بویژه زمانی که شاگرد عیسی با گرفتن چنین تصمیمانی هم از طرف افراد و هم از طرف خانواده مورد آزار و اذیت قرار می گیرد. ما باید تصمیم بگیریم که در این دنیا چه چیزی برایمان حائز اهمیت است. اینکه به امور دنیوی بپردازیم یا که منتظر آمدن پادشاهی خدا باشیم. و مثل همیشه کلام خداست که به ما تسلی خاطر و قوت می بخشد.

" خدا اجازه نمی دهد بیش از توان خود آزموده شوید."  
اول قرنتیان 10:13

" زیرا هر جا گنج شماست، دلتان نیز آنجا خواهد بود."  
لوقا 12:34

این قبیل موضوعات که در بالا به آنها اشاره شده، موضوعاتی مهم محسوب می شوند. ما باید پیش از تعمید، درباره این تصمیمات تامل نماییم خصوصا در صورتی که مشاغلی نظیر مشاغل فوق الذکر داشته باشیم. صلح طلبی به معنای بزدلی نیست. عیسی مسیح در جنگ شرکت نکرد هر چند که شخصیتی بسیار قوی داشت و حاضر شد برای نجات ایمانداران از گناه با مرگ روی صلیب مواجهه شود. نقش شاگرد عیسی این است که در مواجهه با خشم و فتنه دیگران، خویشتن داری کند و به آنان که او را آزار می دهند محبت بورزد و برای آنها دعای خیر کند زیرا با انجام چنین کاری، محبت خدا را که در زندگی خداوند عیسی مسیح کاملا نمایان بود را جلوه می دهیم.

" اما من به شما می گویم دشمنان خود را محبت نمایید و برای آنان که شما را آزار می رسانند، دعای خیر کنید، تا پدر خود را که در آسمان است فرزندان باشید. زیرا او آفتاب خود را بر بدان و نیکان می تاباند و باران خود را بر پارسایان و بدکاران می باراند."  
متی 45-44 : 5

**نقش شاگرد عیسی در سیاست**

زمانی که پولس رسول به فیلیپی رفت، به علت بشارت انجیل به شدت مورد ضرب وشتم فیلیپیان قرار گرفت و زندانی شد. خدا به طور معجزه آسایی او را نجات داد اما پولس خواست با حاکمان شهر دیدار کند. او به آنها یادآوری کرد که شهروندی رومی است و بطور غیر قانونی با او برخورد کرده اند. ما امروزه می گوییم که پولس با گفتن چنین حرفی از حقش دفاع کرده است. شهروندان روم شهروندانی خاص بودند که می بایست با آنها با احترام رفتار می شد. در حقیقت ما نمی دانیم پولس به چه دلیلی اینگونه رفتار کرد اما می دانیم که سالها بعد رساله ای به کلیسا فیلیپیان نوشت و گفت:

" حال آنکه ما تبعه آسمانیم و با اشتیاق تمام انتظار می کشیم که نجات دهنده، یعنی خداوندمان عیسی مسیح، از آنجا ظهور کند. او با نیرویی که وی را قادر می سازد تا همه چیز را به فرمان خود درآورد، بدنهای حقیر ما را تبدیل خواهد کرد تا به شکل بدن پرجلال او درآید."  
فیلیپیان 21-20: 3

مهم نیست که در کدام کشور زندگی می کنیم اگر شاگردان خداوند عیسی مسیح باشیم، آنگاه تبعه پادشاهی خدا محسوب می شویم. ما تنها یک پادشاه یعنی عیسی مسیح را داریم که بر ما حکمرانی خواهد کرد و ما نسبت به او مسئول هستیم. ما از بیانیه سیاسی او آگاهیم و می دانیم به هنگام بازگشت به زمین، چه کاری انجام خواهد داد ( برای مثال مزامیر باب 72 را بخوانید). از طرفی دیگر در صورت تعمید گرفتن، ما به چیزهایی رای می دهیم که به پادشاهی خدا مربوط می باشد زیرا ما در اعمال مرتبط با پادشاهی خدا تعمید می یابیم.

متوجه شدیم که ما باید در کشور محل اقامت خود شهروندانی قانون مدار باشیم. با این حال، در صورت ایجاد تضاد و اختلاف میان قوانین خدا و قوانین کشورمان ما باید از فرامین خدا نه فرامین انسان تبعیت نماییم. اگر به عقیده ما سیاست دولتمان ناعادلانه باشد چه کاری باید انجام بدهیم؟ فرض کنید در سیاست دولت ما فساد مالی یا تبعیض وجود دارد؟ اگر قشر فقیر جامعه روز به روز فقیرتر و قشر مرفه جامعه مرفه تر شود چه باید کرد؟ آیا کتاب مقدس به ما می آموزد که ما می توانیم در سیاست شرکت کنیم و سعی کنیم دولتی بهتر داشته باشیم؟

آیا از نظر خدا انجام اعمال زیر توسط شاگردان عیسی پسندیده و قابل قبول است؟

* رای دادن در انتخابات سیاسی
* عضویت در یک حزب سیاسی
* شرکت در اعتراضات سیاسی
* منصوب شدن بعنوان حکمران یا برای هر منصب دیگری در جامعه

هنگامی که کتاب مقدس را با دقت روخوانی می کنیم، پی می بریم که از دیدگاه خدا انجام هیچ یک از اعمال فوق پسندیده نیست. همانگونه که دانیال سالها پیش به پادشاه بابل نبوکدنصر گفته بود، خدا حکومت بشری را به هر که بخواهد می بخشد.

" تا زندگان بدانند که آن متعال در حکومت بشری حکم می راند، و آن را به هر که بخواهد می بخشد، و حقیرترین مردمان را بر آن می گمارد."  
دانیال 4:17

اگر ما **واقعا** به مفهوم آیه فوق باور داشته باشیم، آنگاه به هیچ وجه در سیاست دخالت نخواهیم کرد. ما می دانیم که رهبران ما از سوی خدا انتخاب می شوند هر چند که شاید نتوانیم دلایل خدا برای انجام این کار را درک کنیم. اگر ما در انتخابات رای بدهیم، چگونه می فهمیم که خدا کدام حزب سیاسی یا حکمران را انتخاب کرده است؟ اگر در انتخابات به ضرر نامزدی رای بدهیم، آنگاه ممکن است علیه شخصی که منتخب خدا است رای داده باشیم. ما از سیاست های خدا و دلایل او برای انتخاب یک حکمران در کشور آگاه نیستیم. ما فقط می دانیم که بالاخره عیسی مسیح پادشاهی خدا را روی زمین برقرار خواهد کرد و باید برای آن زمان امیدوار و در دعا باشیم.

پطرس رسول پی برد که شاگردان عیسی جهت داشتن نگرشی هایی مسیح گونه و الگو برداری از رفتارهای مسیح با چالش هایی جهانی مواجهه خواهند شد. او در آیات زیر از شاگردان عیسی بعنوان قوم خدا یاد می کند:

" اما شما ملتی برگزیده و مملکتی از کاهنان و امتی مقدس و قومی که ملک خاص خداست هستید، تا فضایل او را اعلام کنید که شما را از تاریکی به نور حیرت انگیز خود فرا خوانده است.  
پیش از این قومی نبودید، اما اکنون قوم خدایید؛ زمانی از رحمت محروم بودید، اما اکنون رحمت یافته اید.  
ای عزیزان، از شما تمنا دارم چون کسانی که در این جهان بیگانه و غریبند، از امیال نفسانی که با روح شما در ستیزند، بپرهیزید.  
کردارتان در میان بی ایمانان چنان پسندیده باشد که هر چند شما را به بدکاری متهم کنند، با مشاهده اعمال نیکتان، خدا را در روز دیدارش، تمجید نمایند."  
اول پطرس 12-9: 2

چرا پطرس شاگردان یا ایمانداران به مسیح را همچون افرادی بیگانه و غریب در این جهان توصیف کرد؟ زمانی که ما به کشوری دیگر سفر می کنیم، انتظار نداریم که در انتخابات آن کشور شرکت کنیم و رای بدهیم. ضمنا حکومت **آن** کشور هر چه که باشد از ما انتظار می رود که از قوانین آن کشور تبعیت، تمامی بدهیمان را پرداخت کنیم و از ایجاد دردسر در آن کشور خودداری نماییم. از این رو ایمانداران به مسیح در هر کجا که باشند چه در کشور خود و چه در کشوری دیگر بایستی اینگونه رفتار کنند زیرا آنها در حقیقت به **هیچ** کشوری تعلق ندارند. آنها تنها به پادشاهی خدا تعلق دارند.

**زمان برقراری پادشاهی خدا**

هنگامی که خداوند عیسی مسیح به زمین باز می گردد تا در سرتاسر جهان حکمرانی کند، چه اتفاقی برای ایمانداران رخ می دهد؟

کتاب مقدس در این باره به ما می آموزد که ایمانداران به مسیح در پادشاهی خدا مسئولیتی بزرگ بر عهده خواهند داشت. آنها همراه با مسیح همچون پادشاهان بر زمین فرمانروایی خواهند کرد. اما قبل از فرمانروایی، ابتدا ایماندارانی که مرده اند از مردگان برخیزانیده خواهند شد. سپس همراه با ایماندارانی که به هنگام آمدن پادشاهی خدا زنده اند مورد داوری قرار خواهند گرفت و بدن ایمانداران شایسته به بدنی فناناپذیر تبدیل خواهد گردید. این آموزه درباره رستاخیز در جاهایی بسیاری از کتاب مقدس یافت می شود برای مثال در اول قرنتیان باب 15 به موضوع رستاخیز اشاره شده است.

آیات زیر از کتب مقدس به ما تصویری درباره اینکه در پادشاهی خدا چه اتفاقی برای ایمانداران فنا ناپذیر اعم از یهودیان و غیر یهودیان رخ خواهد داد ارائه می دهد:

" پس همه چیز را به خاطر برگزیدگان تحمل می کنم تا آنان نیز نجاتی را که در مسیح عیساست، با جلال جاودانی به دست آورند.  
این سخن درخور اعتماد است که: اگر با او مردیم، با او زندگی هم خواهیم کرد.  
اگر تحمل کنیم، با او سلطنت هم خواهیم کرد."  
دوم تیموتائوس 12- 10 : 2

" و سرودی تازه بدین سان می سرودند که: تو سزاوار گرفتن طوماری و سزاوار گشودن مهرهای آن، چرا که ذبح شدی، و با خون خود مردم را از هر طایفه و زبان و قوم و ملت، برای خدا خریدی؛  
و از آنان حکومتی ساختی و کاهنانی که خدمتگزار خدای ما باشند و اینان بر زمین سلطنت خواهند کرد."  
مکاشفه 10-9: 5

" آنگاه پادشاهی و حکومت و حشمت ممالکی که زیر تمامی آسمان است به قوم مقدسین آن متعال داده خواهد شد؛ پادشاهی آنها پادشاهی جاودانه خواهد بود و همه حکومتها آنها را خدمت و اطاعت خواهند کرد."  
دانیال 7:27

آیات فوق تعالیمی را بیان می دارند که برای شاگردان راستین عیسی بسیار حائز اهمیت است. آنها منتظر آمدن پادشاهی خدا هستند و امید به حیات جاودان دارند تا در فنا ناپذیری خداوند عیسی مسیح شریک شوند و به او در هزاره در کار حکمرانی بر مردم فناپذیر کمک کنند. همچنین ایمانداران واقعی همانند زنان و مردان ایمانداری که در باب 11 عبرانیان نامبرده شده اند کاملا با این تعالیم متقاعد می شوند و مایلند که در این جهان همچون غریبه ها و بیگانگان زندگی کنند زیرا آنها در انتظار آمدن پادشاهی خدا هستند.

**سوالات**

1. چرا شاگردان عیسی از جهانی که در آن ساکنند جدا می شوند؟
2. رهبران کشورهای جهان از سوی چه کسی انتخاب می گردند؟
3. منظور از مخالف وجدانی جنگ چیست؟
4. چرا شاگردان مسیح در انتخابات سیاسی رای نمی دهند؟
5. عیسی به هنگام بازگشت به زمین چه مسئولیتی به شاگردانش خواهد داد؟
6. از رومیان 21-18: 12 چه آموزه ای میتوان یاد گرفت؟